

### ضرورت دگرگونی بنیادی در نظام

### آموزشی عالی کشور

برخورد ایران با استعمار هدف اصلی آموزش را درهم ریخت

«باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاه‌های سراسر ایران بوجود آید»  
امام خمینی

در صفحه ۴

## گرامی باد، پانزدهم خرداد عطف انقلابی در پیکارهای رها ئیبخش ملت ایران

قیامها و نهضت‌های اجتماعی و سیاسی ملتها، چون حلقه‌های زنجیر به یکدیگر پیوند دارد و حرکت‌های بنیادی بگونه‌ی رویدادهای مستمر تاریخی، موجودیت و تداوم آفریننده خود را ظاهر می‌سازد و بدین اعتبار حیات هرملتی پویا و زنده بسان رودی خروشان و رونده از سرچشمه‌های هستی بخش فرهنگ آن ملت آغاز میشود و روندگی و بالندگی خود را در بستر تاریخ نشان میدهد.

جنبش‌های سیاسی ایران معاصر، بی‌تردید با تمام گذشته‌های مبارزاتی ملت، پیوند دارد و این جنبش‌ها با پیروزی‌ها و شکست‌هایشان سرنوشت ساز نظام سیاسی امروزی میهن ما بشمار می‌روند و بی‌گمان تلاش‌ها، سازندگی‌ها، انحراف‌ها، خلافکاریها،

رهنمودهای زندگی نسل‌های آینده خواهد گردید. تاریخ بیانگر این واقعیت است که هرگاه استقلال و حاکمیت ملی، به خطر افتاده نبرد رهایی بخش آغاز گردیده است. یادآوری این نکته که هیچ حرکت و جنبش سازنده و مردم‌گیری در ایران به دور بقیه در صفحه ۳

## سیاست جزائی جمهوری اسلامی ایران، چیست؟

### آموزش‌های والای اسلامی را از یاد نبرید

سیاست جزائی هر حکومت، یکی از بارزترین جلوه‌گاههای بحق بودن آن حکومت است. ساخت روانی و عاطفی حکومت، درسیاست جزائی آن به روشنی دیده می‌شود. حکومت با به کار بردن بقیه در صفحه ۵

## مجلس شورای ملی باید دست رئیس جمهور را باز بگذارد

### ضرورت احترام به قانون اساسی

نخستین دوره مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران سرانجام در روز چهارشنبه هفتم خرداد ماه ۱۳۵۹ با حضور رئیس جمهور و سایر کاربدستان حکومت افتتاح گردید، حجت‌الاسلام حاج سید احمد خمینی، پیام رهبر انقلاب را که مثل همیشه رهنمودهای خردمندانهای را پیرامون ضرورت یگانگی و ایثار نمایندگان برای رسیدن به پیروزی نهائی در برداشت، خواند. همه میدانند که مسئولیتهای نخستین دوره مجلس شورای ملی با وظیفه‌های عادی یک مجلس قانونگذاری تفاوت بسیار دارد، این مجلس میباید، بنیادهای انقلاب اسلامی ملت ایران را استوار سازد و تداوم آنرا پاسداری کند، استقلال و ناوابستگی کشور را تأمین و آزادیهای فردی و اجتماعی را تضمین نماید و عشق به نظم و کار را در ذهن مردم برانگیزد و دستگاه اجرائی را در جهت سامان بخشیدن اقتصاد درهم پاشیده‌ی کشور به حرکت آورد و بطور کلی میباید با حفظ همبستگی ملی همه دشواریهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را از پیش روی آینده ایران بردارد.

بقیه در صفحه ۴

## در سایر صفحه‌ها

- دعوت از پزشکان ایرانی خارج از کشور
- کنفرانس بررسی مداخلات امریکا در ایران
- انحلال اداره کل آموزش و پرورش کردستان



تابستان خشک، داغ، داغ، داغ...

### نامه سرگشاده دانشگاهیان به رئیس جمهور

بسم الله الحکیم العلیم  
ادع الی سبیل ربک بالحکمه  
والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی  
هی احسن  
«قرآن کریم»  
در صفحه ۶

## دولت باید به یاری کشاورزان بشتابد

برنامهریزی و اجرای طرحهای بنیادی برای بازسازی کشاورزی سوخته و نابود شده ایران باید در صدر کارهای حکومت پس از پیروزی انقلاب قرار میگرفت، ولی با سپری شدن شانزده ماه، هنوز کشاورزی ایران دارای یک برنامه زمانبندی شده برای زنده داشت و گسترش کشاورزی، باغداری و دامپروری نمیشد، و تاکنون برای ساده‌ترین دشواریها راهحلی پیش‌بینی و ارائه نشده است. ملت بی‌پاخاسته ایران که در

## «نظم جهانی غربی» و قلعه بی‌دروازه واپسماندگی دگرگونی ساخت سیاسی، کافی نیست

«نظم جهانی غربی» برخاسته از بازار، گوناگونی ایدئولوژی‌ها و شیوه‌های تولید را معیار تصمیم‌گیری‌های خود نمی‌شناسد و آنچه از لحاظ این نظم جهانی مبنای تصمیم‌گیری میباید، میزان سوددهی ایدئولوژیها و شیوه‌های تولید است. «نظم جهانی غربی» از نیرومند ساختن اقتصاد کشورهای اروپای شرقی و دیگر کشورهای کمونیستی به هیچ روی نگران نیست و برعکس برای آنکه بتواند از بازار این کشورها هم سودی به کف آورد در به راه انداختن آنها لحظه‌ای درنگ نکرده است و نمی‌کند.

اساس نظم جهانی غربی «ساخت بازار» میباید و در نخستین نگاه چنان بنظر آید که دو «بازار جهانی» در کار است یکی «بازار سرمایه‌داری خصوصی» و دیگری «بازار سرمایه‌داری دولتی» در حد نهای در بازار سرمایه‌داری خصوصی فرو می‌رود.

حجم اعتبارهایی که کشورهای اروپای غربی به کشورهای اروپای شرقی داده و نزدیک به پنجاه میلیارد دلار میباید، بازگوکننده این دیدگاه «نظم جهانی غربی» است. «نظم جهانی غربی» شیوه‌های تولید سرمایه‌داری خصوصی و سرمایه‌داری دولتی را به یکسان در پوسته خود فرو کشیدن و از همه آنها سودجویی میکند. «نظم جهانی غربی» لهستان و سومالی، اطریش و عربستان سعودی، نیکاراگوئه و رومانی..... را در ساخت بازار خود جای بقیه در صفحه ۲

## روان تابناک شهیدان بی‌نام و نشان پانزدهم خردادشادمان باد



## «نظم جهانی غربی» و قلعه بی دروازه واپسماندگی

داده و از هر کدام آنها بگونه‌ای سود می‌گیرد و از هر کدام آنها به گونه‌ای در استواری بافت خود بهره برمی‌دارد.

«نظم جهانی غربی» فضایی پدید آورده که هیچکدام از نظریه‌های ابراز شده، خواه کلاسیک خواه انقلابی، توانایی شناخت و تبیین آن را ندارند.

شناخت «نظم جهانی غربی» و تعیین راه درست برخورد با آن به تلاشهای فکری تازه‌ای نیاز دارد و در چنین تلاشی می‌باید از آگاهی‌های ژرف، گونه‌گون و سرشار، بهره داشت.

شناخت و تبیین «نظم جهانی غربی» نیازمند است که به اندیشه‌های یک مکتب خاص پایبند نماند.

همه معیارها و ضابطه‌هایی که تاکنون در توجیه «نظامهای اقتصادی- اجتماعی» معرفی شده است در تحلیل «نظم جهانی غربی» درمانده‌اند و اندیشه‌هایی همچون «سیر و هلمای تاریخ بشر» و «توجیه اقتصادی فرهنگ و تاریخ» و «مبارزه طبقاتی» هرگز قادر به تحلیل و توضیح پدیدایی و گسترش «نظم جهانی غربی» نیستند. چنین تحلیل و توضیحی به آگاهی‌های تازه دیدگاههای تازه شیوه‌های تازه و سرانجام به قدرت ذهنی بسیار نیاز دارد.

«نظم جهانی غربی» در ساخت کلی خود از دو بخش شکل گرفته است اول: هسته یا مرکز، دوم: سطوح جانبی.

در هسته یا مرکز قدرتهای صنعتی پیشرفته قرار دارند و در سطوح جانبی، کشورهای عقب‌نگهداشته شده.

برای روشنتر و آسانتر دانسته شدن مطلب مثالی می‌زنیم، «نظم جهانی غربی» به سان کاسه‌ای است که «ته» کاسه و قسمت‌های از دیوار چسبیده به ته کاسه «هسته یا مرکز نظام جهانی غربی» است و در برگیرنده کشورهای صنعتی ثروتمند است و دیوارهای بخشهای بالای کاسه، سطوح جانبی آن که در برگیرنده کشورهای کم درآمد است.

بدین سان روشن میشود که «نظم جهانی غربی» از دو بخش تشکیل شده یکی بخش مرکزی و دیگری سطوح جانبی.

بخش مرکزی «نظم جهانی غربی» در برگیرنده همه کشورهای صنعتی ثروتمند است ریخت و برچسب حقوقی کشورهای صنعتی ثروتمند هر چه باشد مانع آن توان بود که این کشورها در بخش مرکزی «نظم جهانی غربی» قرار گیرند.

بخش دیگر «نظم جهانی غربی» سطوح جانبی مجموعه است که از کشورهای فقیر غیرصنعتی تشکیل میشود، در این بخش هم مانند بخش هسته مرکزی، ریخت و برچسب حقوقی کشورها، تفاوتی در میان نمی‌آورد همه کشورهای فقیر دارای مالکیت خصوصی یا عمومی، در این بخش جای می‌گیرند.

بر اساس آنچه گفته شد، جهان به دو گروه تقسیم میشود، کشورهای صنعتی ثروتمند و کشورهای غیر صنعتی فقیر، و در هر دو گروه کشورها، هم مالکیت عمومی و هم مالکیت خصوصی وجود دارد و شیوه‌های متفاوت مالکیت و نظام حقوقی در شکل بندی «نظم جهانی غربی» بی‌اثر است.

گفته شد که «نظم جهانی غربی» همه کشورهای جهان را در دو گروه متفاوت جای داده است، گروه کشورهای پردرآمد یا مرکز اقتصاد این نظم و گروه کشورهای کم درآمد، یا سطوح جانبی اقتصاد این نظم.

ساخت اقتصادی این دو گروه کشورها با هم دارای سه تفاوت اساسی است:

۱- در کشورهای کم درآمد، بازده و قدرت تولید بخشهای اقتصادی با هم تفاوت بسیار دارد.

در اینکشورها پیشرفته‌ترین ابزارهای تولید در کنار ابتدائی‌ترین شیوه‌های تولید قرار دارد و بازده کار و سرمایه از این مؤسسه تا آن مؤسسه و از این شهر تا آن شهر تفاوت بسیار دارد.

گاه بازده کار و سرمایه در پائین‌ترین اندازه ممکن و گاه در بالاترین اندازه آن، به دیگر سخن بازده کار و سرمایه در بخشهای گوناگون اقتصادی این کشورها بسیار متفاوت است و از این رهگذر اقتصاد اینکشورها نامتعادل میباشد و توزیع درآمدها بسیار ناهموار یعنی مزد و سود و شیوه تولید در اینکشورها یکسان نیست.

در یک مؤسسه کار نگهداری حسابها با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین شیوه‌های کامپیوتری انجام میشود و در مؤسسه دیگر «چتکه» و «سیاق» مورد استفاده است.

در یک مؤسسه کارگران از دستمزد به گونه‌ای نسبی بالا و از بسیاری مزایای رفاهی برخوردارند (برای نمونه شرکت ملی نفت) و در مؤسسه دیگر دستمزد کارگران بسیار پائین است و هیچ وسیله رفاهی برای آنان فراهم نیست (برای نمونه کارگران قالیباف) و نیز بازده سرمایه در یک بخش به گونه‌ای نسبی بالا (برای نمونه بانکداری و ساختمان) و در بخش دیگر پائین میباشد (برای نمونه کشاورزی) و به طور کلی اقتصاد کشورهای کم درآمد، نامتعادل است، یعنی عامل‌های تولید در بخشهای گونه‌گون این اقتصادها، شیوه کاروبازده بسیار متفاوت دارند.

کشورهای پردرآمد از اقتصاد متعادل‌تری برخوردارند و یا به طور کلی میتوان گفت اقتصاد آنها متعادل است، یعنی بازدهی کار

و سرمایه و شیوه‌های تولید در این کشورها کم و بیش در یک سطح است و یا دستکم بیشترین بخش نیروهای تولیدی اینکشورها در یک حالت متعادل با هم قرار دارند.

متعادل بودن یا نبودن ساخت اقتصاد کشور اثرهای دامنه‌دار سیاسی و اجتماعی و روانی در بردارد که در اینجا مجال گفتگو درباره آنها نیست ولی در اینجا همین اندازه یادآور میشود- و این یادآوری ضروری است- که نامتعادل بودن ساخت اقتصادی، جامعه ملی را به دوباره ناهموگون قسمت میکند که ارزشها و شیوه‌های زندگی و خواستها و رفتارها در هر قسمت به کلی متفاوت می‌باشد.

جامعه ملی در اینکشورها دوباره شده وجدول ارزشها نیز بردو گونه است و از این رهگذر این کشورها در تشنج‌های دائم دست و پا می‌زنند.

۲- در کشورهای کم درآمد، پدید آمدن یا گسترش، یا افول مؤسسه‌های اقتصادی، در نظام و ساخت اقتصاد عمومی کشور بی‌اثر یا بسیار کم اثر است. پدید آمدن و فعالیت هر مؤسسه اقتصادی به طور طبیعی میباید تلاشهای تازه در اقتصاد برانگیزد.

پدید آمدن هر مؤسسه یا فعالیت اقتصادی را به پرتاب کردن سنگی در سطح یک استخر آرام- تشبیه میکنند، که در آغاز پرتاب پرتاب سنگ، دایره کوچکی در محل سقوط سنگ پدید

آید و سپس این دایره، دایره بزرگتری برمی‌انگیزد و هر دایره تازه پدیداشده به نوبه خود دایره بزرگتری پدیدار می‌کند تا آنجا که تمامی سطح استخر را دایره‌های هم مرکز فرا می‌گیرد.

پدید آمدن یک مؤسسه یا فعالیت اقتصادی تازه هم، بدینگونه می‌باید از مرکز خود سلسله فعالیت‌های تازه‌ای در سطح اقتصاد کشور پدیدآورد ولی در اقتصادکشورهای کم درآمد این قانون اجرا نمی‌شود و پدید آمدن مؤسسه‌ها و فعالیت‌های تازه اقتصادی به دنبال خود موج و اثری آشکار نمی‌دارد و هر مؤسسه اقتصادی بو، چون عضوی پیوندی بر پیچک جامعه ملی است، مجموع قدرت اقتصادی کشور و جامعه ملی، بر مؤسسه اقتصادی می‌نگرد ولی از آن اثر نمی‌پذیرد و هر مؤسسه در درون خود، با خود و برای خود تلاش میکند، مؤسسه‌های اقتصادی، در سوخت و ساز عمومی اقتصاد کشور جذب و هضم نمی‌شوند و هر مؤسسه دنیای جداگانه‌ای است که ربطی به جامعه ملی و نظام کلی اقتصاد کشور ندارد، چنین نظام اقتصادی را شومیتیز، به درستی «اقتصاد بی‌مفصل» نام گذاری کرده و این نام گذاری نشان دهنده این واقعیت روشن است که مؤسسه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی در ارتباط با یکدیگر بسر نمی‌برند.

اقتصاد کشورهای پردرآمد، چنین نیست، در این اقتصادها همه مؤسسه‌ها و فعالیت‌ها در مجموعه نظام به هم پیوسته‌ای بسر می‌برند و زمینه‌های گوناگون تولید برهم اثر می‌گذارند و از هم اثر می‌گیرند. هر مؤسسه و هر فعالیت اقتصادی چون سلولی در پیچک کلی اقتصاد کشور در ارتباط پیوسته و متقابل با سایر فعالیت‌ها و مؤسسه‌ها می‌باشد و این اقتصادها «یک پارچه» است. ۳- اقتصاد کشورهای کم درآمد به گونه‌ای مستقیم یا غیر مستقیم زیر سلطه و کنترل اقتصاد کشورهای پردرآمد است و تصمیم‌های اقتصاد پردرآمد، خواه و ناخواه بر اقتصاد کم درآمد اثر می‌گذارد.

اقتصاد کشورهای کم درآمد بدون پشتیبانی و رهنمونی اقتصادهای پردرآمد کشور نمی‌تواند به حیات فعال اقتصادی ادامه دهد.

پس «نظم جهانی غربی» کشورهای جهان را به دو گروه تقسیم کرده است. یکی گروه کشورهای پردرآمد که مرکز نظم را ایجاد میکنند و دیگر گروه کشورهای کم درآمد که سطوح جانبی نظم را می‌سازد.

اقتصاد کشورهای کم درآمد، یا سطوح جانبی نامتعادل، گسسته و زیر سلطه است.

اقتصاد کشورهای پردرآمد یا مرکز نظم متعادل، بهم پیوسته و مسلط است.

اقتصاد کشورهای کم درآمد، در مجموع ساخت «نظم جهانی غربی» در «بن‌بست» قرار داده شده، راه حرکت و پیشرفت را با مانع‌های بسیار بر آن بستند و فرصت نمی‌دهند که از بن‌بست بگذرد و بر راه گشاده حرکت و پیشرفت قرار گیرد.

حرکت و پیشرفت کشورهای عقب‌نگهداشته شده برهم زدن «نظم جهانی غربی» را ناگزیر می‌دارد و طراحان برجسته آن از نظم آفریده خود دفاع میکنند.

کشورهای پردرآمد جهان، هیچکدام در خارج شدن کشورهای کم درآمد از «بن‌بست» نفعی بر خویش نمی‌بینند، از اینرو به درهم شکستن بن‌بست هرگز یاری نمی‌دهند.

اقتصاد کشورهای کم درآمد را چنان فراهم آورده‌اند که برای ادامه حیات خود، به ارتباط دائم با بازار جهانی نیازمند باشد و این ارتباط، برای هر کشور کم درآمد، ارتباطی ناگزیر است.

کشورهای کم درآمد از طریق اقتصادهای مسلط می‌توانند به بازار سرمایه و کالای جهانی راه بیابند و راه یافتن این اقتصادها به بازار سرمایه و کالای جهانی به معنای بلع و هضم همه دستاوردهای اقتصادهای کم درآمد در هاضمه اقتصادهای پردرآمد است و این نکته شنیدنی است که رنگینی و سرشاری بازار سرمایه و کالا در اقتصادهای پردرآمد، نتیجه هضم و جذب دستاوردهای اقتصادهای کم درآمد است.

در اقتصادهای کم درآمد، نیروهایی در کار است که تلاشهای

اقتصادی را به بخشهای پیشرفته ره می‌نماید. در اقتصادهای جانبی چنین نیروهایی یا در کار نیست و یا شعاع عمل آنها محدود است و از این رهگذر زمینه حرکت و پیشرفت این اقتصادها بسیار ناچیز است.

گسستگی یا «بی‌مفصل بودن» اقتصادهای کم درآمد موجب آن میشود که واحدهای این اقتصادها حتی در میدان عمل اقتصاد ملی نتوانند کالا و سرمایه و تکنولوژی میان خود مبادله کنند و واحدهای اقتصادهای کم درآمد به‌طور مستقیم با بازار سرمایه و کالای اقتصادهای پردرآمد در ارتباط قرار می‌گیرند.

گاه در اقتصادهای کم درآمد چند واحد بزرگ تولیدی در کار میباشد، مالکیت و شیوه اداره این واحدها، ممکن است بومی یا بیگانه باشد، ولی در هر حال این واحدها بر مجموع اقتصاد کشور تاثیر نمی‌گذارند. اینان در مدار بسته‌ای مربوط به خود و برای خود، کار می‌کنند و ارتباط‌های حیاتی و اساسی آنها با اقتصادهای خارجی پردرآمد است. واحدهای تولیدی اقتصادهای کم درآمد، هر اندازه هم پیشرفته باشند، در ریخت و ساخت، همانند واحدهای تولیدی اولیه‌اند یعنی با خود، به وسیله خود و برای خود، در یک فضای سر بسته اقتصادی- اجتماعی کار میکنند.

چنین واحدهای تولیدی پیشرفته‌ای نمیتوانند در فضای اقتصاد ملی خود حرکت و رشد بیافرینند و رشد و حرکت پدید آمده از این واحدها به طور مستقیم در ارگانیزم بازار کشورهای پردرآمد منعکس میشود و به جلوه درمی‌آید.

در یک کلمه، واحدهای پیشرفته تولیدی در کشورهای کم درآمد، دنباله و ادامه اقتصاد کشورهای صنعتی است و قرارگاه جغرافیائی این واحدها، هیچ تغییری در این اساس وارد نمی‌آورد.

نه تنها واحدهای پیشرفته تولیدی کشورهای عقب‌نگهداشته شده، بخشی از اقتصاد کشورهای صنعتی تلقی میشوند، بلکه بازار این کشورها هم دنباله و ادامه بازار کشورهای صنعتی است.

بازرگانی خارجی کشورهای کم درآمد جز در حد بسیار ناچیزی، فقط با بازارهای کشورهای صنعتی است و اقتصادهای کم درآمد، آنچه دارند به کشورهای صنعتی می‌فروشند، و هر چه میخواهند از کشورهای صنعتی می‌خرند.

قالی ایران و انجیر ترکیه و چای هند و موز سومالی در بازارهای کشورهای پردرآمد به فروش میرسد و خریدهای همه اینکشورها هم از همان بازارها است و به سختی میتوانند باهم بازرگانی کنند.

بازار سرمایه نیز از همین قرار است. کشورهای کم درآمد سرمایه مورد نیاز خود را از بازار کشورهای پردرآمد فراهم می‌آورند و سود این سرمایه‌ها هم به خط مستقیم به همان بازار برگشت میکنند. برگشت سود سرمایه‌ها به کشورهای صنعتی جزیانی دائمی پدید آورده است. تراز پرداخت‌های رسمی و غیررسمی و مرئی و نامرئی کشورهای کم درآمد، نشان دهنده مبلغ‌های سنگینی است که بابت سود سرمایه به کشورهای پردرآمد برگشت میشود و از آنجا که اقتصاد کشورهای کم درآمد اقتصادی است بی‌مفصل و گسسته، سرمایه‌گذاری‌های خارجی هرگز نتوانستند و نخواهند توانست جوش و حرکتی در اقتصاد اینکشورها برپا کنند و تنها نتیجه سرمایه‌گذاری‌های خارجی فراهم آوردن وسیله بهره‌کشی بیشتر از منابع طبیعی و انسانی این کشورهاست. آن استدلال کلاسیک که سرمایه‌گذاری خارجی را مرکز پدید آورنده جوش و حرکت در اقتصاد بومی و وابسته می‌شناسد، در کشورهای کم درآمد درست در نمی‌آید.

اقتصاد این کشورها را چنان سامان بخشیده‌اند که هیچ سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌تواند مرکز پدید آورنده جوش و حرکت باشد، بلکه برعکس سرمایه‌گذاری‌های خارجی وسیله نیرومندی است برای مکیدن ظرفیتهای اقتصادی این کشورها و به گونه‌ای ناگزیر حالت واپس ماندگی این کشورها را شدت می‌بخشند.

ساخت «نظم جهانی غربی» چنان است که همه راههای حرکت اقتصادی و خارج شدن از بن بست واپسماندگی را بر کشورهای کم رشد فرو بسته است.

ساخت «نظم جهانی غربی» را چنان فراهم آورده‌اند که برداشتن هر گام کلاسیک برای پیشرفت اقتصادی کشورهای کم رشد را بیشتر و استوار در مدار واپسماندگی نگاه دارد.

این حالت را میتوان «جهت‌گیری‌های معکوس» اصطلاح کرد و عامل‌های پدید آورنده به گونه‌ای فشرده عبارتند از رواج ناگزیر شهرنشینی و پدید آمدن شهرهای بزرگ. چنانکه امروز در کشورهای کم رشد شهرهای چند میلیون نفری پدید آمده‌اند بسیار آشنا و این میلیون‌ها نفر در شهرهای کم محصول‌ترین نیروی مصرفی است که دستاوردهای اقتصاد ناتوان جانبی را فرو می‌بلعد.

پدید آمدن قهری دستگاه اداری پر خرج که به گونه‌ای ناگزیر پیوسته هم در حال گسترش است و فرو بلعنده بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد ملی کشورهای کم رشد میباشد.

بهبود ناگزیر چگونگی زیست و گسترش خدمات رفاهی که خود بلعنده بخشی دیگر از تولید نارسای اقتصادهای کم درآمد است.

برافراشتن چند کارخانه در اینجا و آنجا کشور به نشانه صنعتی شدن، برپائی این کارخانه‌ها، وارد کردن بسیاری فرآوردهای میانی و کالاهای سرمایه‌داری و حتی مواد اولیه را از

## نظم‌وکار، پایندان پیروزی دوران سازندگی انقلاب



## نامه سرگشاده دانشگاهیان به رئیس جمهور

احتراماً بدنبال پیام نوروزی امام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ملت ایران، حرکت جدیدی بنام انقلاب فرهنگی در میهن ما بوجود آمد. این حرکت با اینکه در بطن جامعه انقلابی ایران ریشه داشت، نحوه بروز و بیان آن با برخی نماینده‌های سیاسی و هیجان‌های گروهی پیوند یافت و آن‌سان که شایسته بود حقانیت تاریخی و اجتماعی آن آشکار نگردید.

سمینار انقلاب فرهنگی اسلامی بابتکار دانشگاه ملی ایران و دفتر هم‌آهنگی همکاری‌های مردم با رئیس جمهور در تهران و سمینار انقلاب فرهنگی مشترک حوزه علمیه و دانشگاهها در قم، برخی از ابهامهای موجود را برطرف ساخت و شرایطی بوجود آورد تا دانشگاهیان هوادار تغییر بنیادی نظام آموزشی، بتوانند با سلامت و دقت بیشتری درباره این حیاتی‌ترین امر انقلاب اظهار نظر نمایند.

اعتقاد ما دانشگاهیان بر اینست که نظام‌های سلطه از هر نوع زمانی می‌تواند سیطره کامل داشته باشند که در همه ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه‌های جهان سوم را از پویایی تاریخی بازدارند. این شیوه ویرانگر از دیرگاه در میهن ما بکار گرفته شد و استعمار بگونه‌ای ظالمانه تمام حرکت‌های جامعه را بسوی این مکانیسم سوق داد. انقلاب اسلامی ملت ایران برهبری امام خمینی برهم زنده این وضع ناپهنجار بیگانه ساخته بود. و از این رو این نهضت پرشکوه در خط استقلال همه‌جانبه ایران زمانی می‌تواند به مفهوم واقعی تحقق یابد که در تمام زمینه‌های برشمرده کارساز باشد. یعنی وابستگی را در تمام ابعاد از میان بردارد و تا چنین نشود، استقلال پای نخواهد گرفت.

راستی در این است که جامعه ما بدان صورت نبود که فرهنگ ملی و اسلامی و آزادی خود را از دست داده باشد. انقلاب ایران در زمینه فرهنگی آغاز گردید مردم میهن مادر فرهنگ ایرانی باللهام از آموزشهای معنوی و آرمانهای اسلامی حرکت درآمدند انقلاب اسلامی ما از متن فرهنگی ایران آغاز و امروز بسوی استقلال فرهنگی گام برمیدارد. انقلاب فرهنگی همگام با همه دگرگونیها، یعنی زدودن آثارهای شوم امپریالیسم در زمینه‌های فرهنگی یا بعبارت دیگر پایان دادن به وابستگی‌های فرهنگی جامعه ملی، فرهنگ با اینکه زمینه خاصی از حیات جامعه است اما تحول آن بادیگر بنیادهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بستگی دارد و این زمینه خاص خود مجموعه‌ای است که نهادهای متعددی را در بر دارد نهاد آموزشی بگونه انتقال دهنده میراث‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر و فراهم آورنده پهنه خلاقیت علمی و فنی و ذوقی در درون این مجموعه جای دارد. این نهاد با اختیار و وظیفه‌های اجتماعی و پیوندهای طبیعی و سنی بانیروهای انسانی جامعه، در چند

سطح و چند نظام شکل میگیرد که بالاترین و شاید مهمترین آن بخش آموزش عالی میباشد.

این بخش در گذشته نیز در پیوند با کالیت نهادی و مجموعه فرهنگی جامعه در تاروپود وابستگی‌ها شکل یافت و از خط اصیل علمی و آموزشی مستقل ایرانی فاصله گرفت. اعتقاد ما دانشگاهیان بر اینست که دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی بطور دقیق در پیوند با انقلاب فرهنگی که خود در چارچوب انقلاب اسلامی جامعه جای دارد اساسی‌ترین وظیفه معتقدان راستین به انقلاب است و باید هر چه زودتر این دگرگونی و نوسازی بوجود آید و نظامی آموزشی ساخته شده در وابستگی‌ها، درهم ریخته شود و نظام متناسب با انقلاب اسلامی ملت ایران و استقلال ملی جایگزین آن گردد.

این امر حیاتی باید باشناخت و هشاری و حوصله هر چه تمامتر انجام گیرد. از سهیل انگاری و کارناشناسی و گروه گرایی و غرضورزی دوری شود چه در غیر اینصورت نوعی آشفتنگی و فرو پاشیدگی بر نظام آموزشی کشور بویژه دانشگاهها حاکم خواهد شد که بی‌تردید هم شرایط انجام دسیسه‌های ضدانقلاب را بیشتر خواهد کرد و هم وابستگی‌های جامعه آینده ایران را به امپریالیسم فزونی‌تر خواهد نمود. از این رو دانشگاهیانیکه به انقلاب اسلامی ملت ایران اعتقاد دارند و تحقق انقلاب را در تحولات عمیق فرهنگی میدانند و دگرگونی نظام آموزشی و دانشگاهی کشور را ضرورت تشخیص داده‌اند پیشنهاد میکنند:

۱- در وهله نخست باید کوشش‌های دست اندر کاران سیاسی و مبارزاتی در تحقق نهاد جمهوری اسلامی ایران حرکت نماید.

۲- رئیس جمهوری با همکاری هیات دولت و دیگر مقامهای کشوری، در موضع تصمیم گیری قاطع قرار گیرند و در رابطه با مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران، بمنظور وحدت بخشیدن به عملکردهای حکومتی در زمینه فرهنگی به تعدد مراکز اجرائی و تصمیم گیری پایان دهند.

۳- قوه اجرائی کشور بطور رسمی از دانشگاهها و مقامهای علمی و آموزشی کشور بخواهد تادمدت تعطیل تابستان، بررسی کاملی در مسائل آموزشی دانشگاهها بعمل آورند و تا آنجا که در توان دانشگاهیان و کارشناسان فرهنگی کشور و فضلا و مدرسان حوزه‌های علمی میباشد برنامه‌های آموزشی و پژوهشی را در پیوند با ارزشهای انقلاب اسلامی ایران قرار دهند.

۴- از هیات دولت خواسته شود تا نیازهای علمی و فنی هنری را طی سیاستهای برخاسته از انقلاب تعیین نماید و بدانشگاهها ارائه کند تا این نهاد آموزشی و پژوهشی بتواند زمینه‌های انجام آنرا فراهم آورد.

۵- ضمن اعتقاد به دگرگونی‌های بنیادی در نظام آموزشی مملکت و ایجاد حرکتی انقلابی بمنظور از بین بردن همه نهادهای خارجی ساخته و قطع همه

وابستگی‌های فرهنگی همگام با دیگر دگرگونی‌های جامعه لازم است تاموضوع تعطیل دانشگاهها توسط افرادی آگاه عالم، مومن، معتقد و متعهد به مردم و دانشگاهها مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار گیرد و سمی شود تا همگام با این حرکت انقلابی دانشگاههای کشور پس از یک دوره تعطیلات تابستانی باز نگاه داشته شوند تا مدرسان و پژوهشگران در زمینه‌های گوناگون بتوانند از امکانات آموزشی و پژوهشی و بحث و گفتگو و مشورت‌های لازم و سازنده جهت بازسازی دانشگاهها و ایجاد حرکت‌های انقلابی در جهت قطع وابستگی‌های جامعه برخوردار گردند.

بدیهی است که این نهاد در حرکت و تلاش سازندگی پیدا میکنند و بازداری آن از کوشش مرگ و نابودی آنرا فراهم خواهد ساخت.

علاوه بر آن از آنجا که تعداد قابل ملاحظه‌ای از دانشگاهها، همگام با فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود نقش عمده‌ای در عرضه خدمات فنی و پزشکی و دیگر زمینه‌ها را برعهده دارند تعطیل آنها لطمه‌های شدید باین نقش مردمی و عرضه خدمات مورد نیاز جامعه وارد خواهد ساخت.

۶- بعلت‌های سیاسی و احترام به پاسداری از انقلاب شکوهمند اسلامی، در این شرایط حساس رفتن به روستاها باید بر اساس برنامه‌های دقیق و حساب شده با هدفی مشخص برای حرکت این بخش محروم مملکت در جهت بازسازی انقلابی آنها باشد و کوشش بعمل آورند تا با ساختن انسانهای انقلابی و مومن به انقلاب و ارزش‌های آن به این جدائی و بریدگی فرهنگی و اجتماعی شهر و روستا پایان دهند و نه اینکه بیماری‌های کج اندیشی و فرقه‌پسندی را به روستاها منتقل نمایند و گرفتاری و معضلی جدید بر مشکلات عدیده موجود بیفزایند.

۷- از آنجا که دانشگاهها و مراکز آموزشی و پژوهشی کشور، جمع قابل ملاحظه‌ای از محققان و صاحب نظران و متخصصان معتبر جامعه را در اختیار دارند. ایجاد میکند ترتیبی اتخاذ گردد تا واحدها و سازمانهای اجرائی کشور بتوانند از اظهار نظرها و طرحها و حاصل پژوهشهای دانشگاهیان و پژوهشگران بهره‌مند شوند و توان و بازدهی خود را بالا برند.

۸- ما دانشگاهیان که در دوران انقلاب دوشادوش مردم حرکت می‌کردیم و در زمان سازندگی هم در خط جمهوری اسلامی ایران قرار داریم در این مرحله تاریخی انقلاب بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بهترین شیوه این دگرگونی را در هماهنگی با نهاد جمهوری اسلامی میدانیم و با آمادگی کامل تمام امکانات و نیروهای خود را برای تحقق بخشیدن به این خواسته اصیل اسلامی و ملی بسیج می‌داریم.

دانشگاهیان هوادار انقلاب فرهنگی

بی‌حرکتی، نظام اداری و سیاسی است، از ایران خودمان مثال می‌آوریم. اگر به کلید برق دست میزنیم که چراغ اتاق را روشن کنیم با دستگاه اداری روبرو هستیم، اگر شیر آب را باز میکنیم که آب بنوشیم با دستگاه اداری روبرو هستیم، اگر قطار راه‌آهن یا هواپیما سوار می‌شویم و اگر نفت و بنزین و قندو چای و سیگار و تسمان و آهن و شن و ماسه و آجر و نان و شیر و کره میخریم، به طور مستقیم با دستگاه اداری روبرو هستیم اگر مدرسه میرویم اگر رادیو گوش میدهیم اگر تلویزیون نگاه میکنیم به طور مستقیم با دستگاه اداری روبرو هستیم و به طور خلاصه دستگاه اداری یا به طور مستقیم یا به طور غیر مستقیم، همه زمینه‌های زندگی ما را در میان گرفته است. و اگر این دستگاه توانائی و آگاهی لازم را برای به حرکت در آوردن چرخ اقتصاد نداشته باشد، همه تلاشها به هدر خواهد رفت و اگر کار بدستان اداری و سیاسی آگاهی و توانائی لازم را داشته باشند به روشنی در می‌یابند که دشواری کار در گرفتاریهای موضعی نیست و درمان‌های موضعی از گونه‌ی حذف هزینه‌های تجملی و جا به جا کردن رقبه‌های بودجه، هیچ گرمای از کار باز نمی‌کند دشواری اصلی در تشخیص درست وضع و تعیین راه حل‌های کلی آن است.

گشودن بن بست برعهده کار بدستان اداری و سیاسی است و این کار بدستان باید بدانند که درد اقتصاد واپس نگاه داشته شده، درد موضعی نیست، و با درمان‌های موضعی هم کاری از پیش نمی‌رود.

درد اقتصاد اینکشورها ناشی از ساخت اجتماعی و اقتصادی است که باید به یکباره درهم شکسته شود و ساخت تازه‌ای جای آنها را بگیرد و پدید آوردن ساخت سیاسی تازه به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد.

خارج ناگزیر می‌دارد. «نظام جهانی غربی» را چنان فراهم آورده‌اند که اقتصاد کشورهای کم رشد در چنبر پر پیچ و خم اقتصاد ناتوان و سرگشته خود آن‌سان گرفتار آیند که خارج از آن برایشان ممکن نباشد و با کمال حیرت در می‌یابیم که هر گام که در راه رشد اقتصادی و بهبود چگونگی زندگی مردم این کشورها برداشته میشود آنان را بیشتر و بیشتر در تنگناهای خفقان انگیز و اپسماندگی فرو می‌برد و در همین حال نظم جهانی غربی را چنان تر تیب داده‌اند که هر سرمایه‌گذاری کوچک در متن اقتصاد صنعتی به رفاه مردم آن کشورها و رونق اقتصاد ایشان می‌انجامد.

در نظم جهانی غربی، رشد و توسعه اقتصادی کشورهای عقب نگه‌داشته شده از طریق پیرایه‌های شناخته شده کلاسیک میسر نیست و با سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی و کم و زیاد کردن رقبه‌های بودجه و یا دوباره نوشتن طرحهای عمرانی و یا جلوگیری از هزینه‌های تجملی، غیرممکن است که به رشد و توسعه اقتصادی سالم دست یافت. خارج شدن از قله بی‌دروازه عقب ماندگی کار ساده و آسانی نیست. راه خارج شدن از اپسماندگی، راه شناخته شده و همواری نیست. یافتن راه درست رشد و توسعه اقتصادی و گام نهادن در این راه به آگاهی‌های ژرف و گسترده و گونه‌گون نیاز دارد. نخستین گام برای غلبه بر اقتصاد را کدو عقب نگاهداشته شده، برقرار کردن نظام اداری و سیاسی مساعد رشد و توسعه است. مرکز اصلی درماندگی اقتصادی کشورهای کم درآمد، ساخت نادرست اداری و سیاسی آنها است و ناتوانی و ناآگاهی کار بدستان اینگونه کشورها اساس فاجعه است.

در کشورهای کم رشد، مرکز حرکت و همچنین، مرکز

## گرامی باد، پانزدهم خرداد

از آموزشهای اسلامی تحقق نیافته ضرور است و این ویژگی بگونه‌ی روند تاریخی از بدو استیلای بیگانگان در ایران و اعمال سیاست شوم موازنه مثبت، بیش از هرگاه نمایان گردیده است. هنوز مرکب قرار داد تنگین تر کمانچای خشک نشده بود که نخستین ایستادگی‌ها شکل گرفت و سرانجام مردم روز جمعه دهم بهمن ماه ۱۳۵۸ خورشیدی به رهبری میرزا مسیح استرآبادی روحانی عالیقدر تهران سفیر روس و بیش از سی تن اعضای سفارت و سالدات‌ها و محافظین او را به خون کشیدند.

در سال‌های بعد حرکت‌های تداومی این جنبش خودجوش در گوشه و کنار ایران دنبال شد ولی اعمال کاپیتولاسیون و آغاز عصر امتیازات، نظام استبدادی قاجار دست بیگانگان را در شمال

و جنوب در سر نوشت ایران باز گذاشت و با دادن انواع امتیازها و انحصارهای اقتصادی میهن ما چنان به نابودی کشیده شد که بمرور در چنبر وابستگی کامل قرار گرفت. واکنش مردم در برابر این سیاست ویرانگر اقتصادی با اعتراض علیه امتیاز تنباکو به ظهور رسید. مردم تهران و همگام با آنها مردم شهرستانها و حتی بسیاری از روستاهای کشور بپا خاستند.

او جگرایی این جنبش ضد استعماری روز دوشنبه چهاردهم دیماه ۱۳۷۰ خورشیدی بود که میرزای آشتیانی تصمیم گرفت تا در اعتراض به امتیاز تنباکو از تهران خارج شود. مردم عصیان تهران پس از آگاهی از این خبر به خیابانها ریخته بقیه در صفحه ۶

# حفظ حیثیت ذاتی بشر در گامی داشت آزادیهای فردی و اجتماعی است



# ضرورت دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی عالی کشور

## برخورد ایران با استعمار هدف اصلی آموزش را در هم ریخت

در تحلیل نظام آموزشی ایران جهت ایجاد دگرگونی‌های بنیادی به سه مسأله اساسی باید توجه کرد در وهله اول باید دانست هدف آموزش چیست؟ و در وهله دوم اصولی را مورد بررسی قرار داد که بر مبنای آن هدف آموزش تحقق پیدا میکند و در وهله سوم در رابطه با اصول باید روش را شناخت یعنی دانست چه برنامه‌ای را باید بکار برد تا راه رسیدن به هدف را هموار سازد.

بدین اعتبار هدف، غایت حرکت فرهنگی جامعه است و اصول، مواضع و معیارهای حرکت است و روش، کردارهایی است که حرکت از مواضع را به سوی هدف نظم میدهد.

بدیهی است در جامعه‌های گوناگون بشری، هدفهای مختلف آموزشی وجود دارند و برای رسیدن به هدفهای گوناگون، اصول متناسب با هدفها کشف میگردند و شرایط اجتماعی و اقتصادی هر جامعه‌ای روشهای برخاسته خود را تعیین می‌نماید.

این مکانیسم و نهادهای پیوند یافته باهم، نظام آموزشی جامعه را بیان میدارند که در درون مجموعه فرهنگی آن جامعه قرار میگردد و ارزشها و دانشهای آن جامعه را از نسلی به نسل دیگر انتقال میدهد.

بدیهی است که در این انتقال، سازندگی هم وجود دارد، یعنی هر نسلی ساختمانهای خود را بر میراث گذشتگان میافزاید و آنگاه آنرا به نسل آینده میدهد و در این کردار فرهنگی تلاش مینماید تا زمینه سازندگی برای نسلهای دیگر نیز فراهم گردد تا آنها هم آیندگان خود را از میراثها و آفرینشهای فرهنگی برخوردار نمایند.

تاریخ تحولات آموزشی جامعه ایران در دوره‌های شکوفایی فرهنگ، نشانهای زیر را در رابطه با هدف آشکار میسازد:

- ایمان به مبداء و ارزشهای معنوی و اعتقاد به توحید و یکتاپرستی.

- داشتن اخلاق مبتنی بر فطرت انسانی و گزینش روشهای پیوند یافته با باورهای دینی و بکار بردن روشهای متناسب در زندگی فردی و اجتماعی در همه وجوه حیات اعم از مادی (= بهداشت محیط و فن) و غیرمادی (ذوق و قریحه).

- گرایش به تداوم زندگی و غایت‌گرایی در فراهم آوردن زمینه‌های نوآوری اجتماعی مادی (= تمدن) و غیرمادی (= فرهنگ).

این سرداشت و بیش روش

میسازد که در نظام آموزشی ایران، انسان در پیوند با بی‌نهایت حیات فردی و خانوادگی و اجتماعی خود را سامان میدهد و با ابتکار و آفرینندگی و سازندگیهای پردوام بسوی بی‌نهایت حرکت میکند. پدید آوردن زمینه پرورش انسان از این نوع در جامعه پویا، هدف بنیادی نظام آموزشی بوده است و این هدف با اصولی تحقق یافته که وحدت مبتنی بر استقلال و آزادی شرایط اجتماعی آنرا فراهم می‌آورد.

یگانه‌گرایی اصل استقرار و استمرار نظام فرهنگی ایرانیان بوده که بی‌تردید از خودآگاهی ملی برخوردار داشته است.

وحدت اجتماعی و فرهنگی زمینه هدف‌گرایی را در شکل‌های چندگانه زیر بوجود می‌آورد.

- از طریق حماسه‌های تاریخی (ملی و دینی)، گذشته با زمان حال پیوند پیدا میکند.

- عسرفان و شناسخت مابعدالطبیعی، انسان ایرانی را به بازیافتگی خودآگاه میساخت و او را خدایین میگرد و در یگانگی مطلق با زندگی و جاودانگی می‌بخشد.

- از طریق خردگرایی، کثرت‌های ناپایدار به وحدت پایدار میرسیدند.

- دین و کردارهای دینی و نمایشهای بیرونی آن، وجدان جامعه را به یگانگی میرساند.

- حرکت‌های سیاسی تا آنجا که از جنبه‌های ویرانگری دوری داشتند، با ایجاد نظم و پاسداری جامعه از گزند بیگانه، تحقق وحدت را عملی‌تر میکردند.

با تلاشی وحدت فرهنگی دارای تنوع در ایران اسلامی و نزول حرمت آن و دخول عناصر قدرت از برون جامعه و در خدمت نهادهای سیاسی قرار گرفتن و تزلزل حکومت و توسعه زورمداری و فزونی ستم‌های اقتصادی، در دوران برخورد با امپریالیست‌ها، هدف آموزش جامعه آن بنیادمدنی و یگانگی گذشته را از دست داده بود.

شاید دو بخش از هدف، عناصر فعال هنوز حیات داشتند اما کلیت و بهم پیوستگی که موجب پویایی نظام میشد، انسجام و کارائی سابق را نداشتند.

اصول آموزشی که در گذشته توانمندی فراهم آوردن زمینه‌های رسیدن به بخش‌های مثبت هدف را داشتند، در آشفتنی و فروپاشیدگی قرار گرفتند.

روشها و برنامه‌ها نیز در چنین شرایط اجتماعی بویژه پس از بربر سلطه رفتی جامعه و تهی

گردیدن از هدف و بریده شدن از اصول، سخت بسوی پوسیدگی گرایش یافتند.

در کشورهای اروپائی بدنبال انقلاب صنعتی، هدف اساسی نظام اجتماعی دربرخورداری از جهان بود این برخورداری هم بشیوه فردی و اندیودالیستی تبلیغ میشد که حکومت‌های بورژوازی بیان کننده آن بودند (= نفع بیشتر شخصی) و هم بصورت جمعی و کلکتیویستی که اندیشه‌های مشهور به سوسیالیستی آنرا تبلیغ میکردند (= نفع بیشتر دولت) توسعه علوم طبیعی و پیدایش نظریه اصل تنازع بقاء از یکسو و تحقیقات اجتماعی و تاریخی و پیدایش نظریه اصل رقابت و نزاع گروه‌های مردمی از سوی دیگر وضعی را به پیش آورد تا انسان متعلق به نظام‌های اجتماعی اروپائی، انسان چندگانه و مکانیکی و بی‌رابطه با هسته اجتماعی حیات (= خانواده) و مادی و نژادگرا و فزون طلب و سلطه‌گر باشد نظام‌هایی از این دست با داشتن صنعت و تکنولوژی مترقی و مجهز (= امپریالیسم) با نظام‌های فروپاشیده مشرق زمین (= ایرانی) روبرو شوند و مسلم بود که در نخستین مصاف برد از آن نظام با اقتدار خواهد شد.

برخورد استعمار با ایران هدف اصلی آموزش را در هم ریخت. وحدت هدف که خود در معرض نابودی تاریخی قرار گرفته بود، بکلی از ساخت اجتماعی بدور افتاد.

علوم بمعنای شناخت بیشتری در دو پاره «علوم محض» و «علوم کرداری»، از وحدت سنتی خود بیگانه شدند و جامعیت خود را از دست دادند. علوم محض مختص جامعه‌های تولیدکننده شد و جامعه‌های زیر سلطه بگونه مصرف‌کننده علوم کرداری درآمدند و از حالت ابتکار و ابداع و تولید بدور افتادند. یک شرقی استعمارزده (= ایرانی) بسیار روشن و «منورالفکر» کسی بود که بهتر بتواند تولیدات علمی مغرب زمین را (مادی و اندیشمندی) بکار گیرد و مصرف نماید. این امر تاریخی در فراگرد ویرانگری زیر تحقق می‌یافت:

- ضرورت بریدن از گذشته فرهنگی (علمی و آموزشی) و قبول انقطاع ارزشی.

- دور افتادن از زمینه‌های تاریخی جامعه و شرایط اجتماعی حاکم بر آن.

- تقلید کامل از مغرب‌زمین بعنوان جامعه ممتاز در همه جهات و خودداری از هر نوع ابتکار و آفریدگی.

« باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاه‌های سراسر ایران بوجود آید»

امام خمینی

\*\*\*

نظام آموزشی ایران معاصر در شرایط وابستگی شکل یافت این نظام با هدف‌های فرهنگی و اصول آن بیگانگی داشت. نوسازی‌های مشهور نوعی غرب‌گرایی آموزشی بودند و غالباً در حد دستکاری برنامه‌ها و روشها و وسیله‌ها خلاصه میشدند و از این رو حرکت‌آفرین نبودند.

هر نوع اصلاح و مدرسه‌سازی در چارچوب جدید، تشدید وابستگی‌ها بود و جامعه را در بی‌بنیاد کردن و غیرایرانی ساختن سوق میداد.

در فرارگرد این ویرانگری، بی‌آنکه ایرانی بتواند «فرنگی» شود، مصرف‌کننده درجه سوم تولیدات فرهنگی مغرب زمین میشد.

قدرت خود باوری و شرایط ابتکار و ابداع از میان میرفت. آفرینندگی در هیچ زمینه‌ای بوجود نمی‌آمد «دارالفنون» پای نمی‌گرفت، مدارس عالی و دانشگاه‌ها عقیم میشدند. محصول علمی از این حوزه‌ها خارج نمی‌گردیدند.

حتی بعلم بریده بودن از زمینه‌های فرهنگی، دانشجویانی که برای تحصیل بخارج میرفتند، در بازگشت به ایران با تمام استعدادها و کوشش‌ها، نمی‌توانستند خلاقیتی از خود نشان دهند.

\*\*\*

انقلاب فرهنگی یعنی درهم شکستن این شرایط اجتماعی بیگانه ساخته و دگرگونی آموزش بر بنیاد فرهنگ ایرانی و فراهم آوردن زمینه پویا برای ابداع و سازندگی و بزبان دیگر رسیدن کامل به استقلال همه جانبه ایران.

این امر با نمایشهای سیاسی تحقق نمی‌یابد. این حرکت جدی‌ترین کاری است که جامعه با هشیاری تمام باید انجام دهد. سهل‌انگاری در این امر یعنی محکم کردن وابستگی و دورافتادن از زندگی مستقل ملی.

اسلامی کردن دانشگاه‌ها یعنی بازگشت به دوران پویایی فرهنگ ایرانی که به برکت اسلام و تمدن شکوفای آن، بی‌نظیرترین حرکت‌های انسانی را در تاریخ بوجود آورد.

دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی عالی به چماق نیاز ندارد. بستن دانشگاه‌ها به تقلید برخی از کشورهای توتالیترستی و لشکرکشی و به روستاها، بی‌آنکه برنامه منظمی در دست باشد، برابر است با آشفته‌تر کردن زندگی مردم و انتقال بیماریهای السقاطی و گروهی شهرشیمان به آنان که به یمس انقلاب اسلامی ملت ایران نخستین شکل زندگی جدید

# مجلس شورای ملی

مردم از خود میپرسند آیا نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران که با کمال تأسف انتخابات آن با دخالت‌های ناروای کاربدستان و تخلفها و تقلب‌های فراوان، همراه بوده است و سرانجام انحصار گران و سازشکاران بخش عمده‌ی کرسی‌های آنرا در اختیار گرفتند قادر خواهد بود که نقش بزرگ خود را در این برهه تاریخی ایفا نماید؟!\*

مجلس شورای ملی در شرایطی شروع به کار میکند که تضادهای درونی در جامعه انقلابی ما، می‌رود جا، باز کند و جناح بندی و جبهه‌گیری در میان حکومتگران بسعد گسترده‌ای به خود گرفته است و با توجه به گرایشهای فکری و تفاوت‌های رفتاری نمایندگان، بیم آن می‌رود که مجلس به جای استقرار حاکمیت ملی خود مرکز قدرت جدیدی در میان سایر مرکزهای قدرت شود و به جای پدید آوردن پویایی و سازندگی به عامل کند کننده‌ی حرکت‌های انقلابی تبدیل گردد و برای پرهیز از این خطر، بجاست که نمایندگان، رهنمودهای امام خمینی را که در دیدار با آنها در حسینیه جماران و نیز در پیام افتتاحیه خود دادند، بگوش گیرند و به کار بندند.

مجلسی که افتتاح شد، مجلسی است که انتخابات آن با ناباوری‌های بسیار در گوشه

و کنار کشور روبرو گردید، مجلسی است که چگونگی گزینش بیشتر نمایندگان آن، اعتراض‌های گسترده‌ی را برانگیخت و پشتوانه‌ای از پشتیبانیهای مردمی ندارد.

بهر حال، اکنون مجلس شورای ملی به عنوان نهاد قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در این دوران سرنوشت‌ساز، افتتاح گردیده و قدرت‌گرایی که میخواستند در آن اکثریت داشته باشند تا از این راه قوه اجرائی را هم به اختیار بگیرند، به هدف خویش رسیدنند ولی بهر صورت همین مجلس هم نمیتواند، شانه از زیر بار مسئولیت سنگینی که بعهد گرفته است خالی کند زیرا ملت بها خاسته‌ی ایران با هشیاری، آماده دفاع از دستاوردهای انقلاب شکوهمند خود می‌باشد.

مردم میخواهند که این مجلس دست رئیس جمهور را در روی کار آوردن یک دولت توانمند و کارآمد باز گذارد تا دشواریهای کنونی کشور هر چه زودتر از میان برداشته شود.

مردم خواهان آن هستند که مسئولیتهای قوه قانون‌گذاری و قوه اجرائی به روشنی از یکدیگر تفکیک شود و مجلس شورایی به انجام وظیفه خود، بهمان شکل که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است بپردازد و نمایندگان با دخالت‌های بیجا و کشمکش‌های فرقه‌ای وحدت مورد نیاز کشور را بخطر نیفکنند.

مردم امیدوار هستند آن عده از نمایندگان که بدور از انحصار گریها و سازشکاریها و با شیوه‌های درست برگزیده شده‌اند، خود را از ائتلاف‌های ناستوده کنار کشند و با ایجاد فراکسیون‌هایی که دارای برنامه‌های سنجیده و در انطباق با جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران باشد، تکیه‌گاه استواری برای رئیس جمهور شوند تا در «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» توفیق یابند و سرگردانیهای زیانبار کنونی پایان گیرد.

خود را فراهم آوردانند. انقلاب فرهنگی و دگرگونی در نظام آموزشی به درایت صاحب‌نظران آگاه بحدرد اساسی جامعه نیاز دارد، به بینش فرهنگی و شناخت همه جانبه جامعه نیاز دارد. اگر مقلدان از

# آرمان‌ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی  
زیر نظر شورای نویسندگان  
شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی  
خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷ - ۳۱۴

# نظام آموزشی عالی کشور را با جدول ارزشهای انقلاب ساز و ار کنید



## سیاست جزائی جمهوری اسلامی ایران، چیست؟

### آموزش‌های والای اسلامی را از یاد نبرید.

یابد و پیوسته در تکرار آید اعتبار اخلاقی حکومت در چشم مردمان یکسره مضمحل می‌شود و پایه‌های احترام حکومت فرو می‌ریزد و چهره حکومت با مفهوم بیدادگری در هم می‌آمیزد.

نمی‌تواند ارزش‌گذاری افکار عمومی بر سیاست جزایی خود را نادیده انگارد، سیاست جزایی برای اثر گذاشتن بر این مردم و برای پاکیزه ترساختن محیط اجتماعی این مردم است و اگر

افکار عمومی در دنیای معاصر ما، مجازات‌های بسیار سنگین را نمی‌پذیرد، و به رسیدگی‌های قضائی نهائی، به دیده تردید می‌نگرد، به متهم فرصت دفاع ندادن را بسیار ناپسندیده

فرهنگ قضایی خود زدوده‌اند و به جای آن عبارت‌هایی به معنای «وسیله تربیت گروهی» قرار داده‌اند. در چنین جهانی، اجرای مجازات، آنهم به شدیدترین صورت ممکن، به

در دادرسی و جذب باور مردمان به حقانیت و تناسب مجازات، درست و روا نیست.

سرعت بسیار در تعیین و اجرای مجازات، خطر بزرگتری را هم در بر دارد، خطر اینکه دادرسان در تعیین مجازات، از متانت و اندیشه همه‌جانبه خارج شوند، و زیر تأثیر احساسات و فضای خشم‌آلود پدید آمده بر اثر گناه، مجازاتی بیش از حد متناسب معین دارند. رعایت کردن تشریف‌های رسیدگی و فاصله داده بین زمان وقوع جرم و تعیین و اجرای تشریف‌سات رسیدگی و وقوع جرم و تعیین و اجرای مجازات برای آن است که قضاوت‌های ناشی از احساسات برانگیخته به میان نیاید و مجازات از حد تناسب و تعادل خارج نشود و اثرهای تربیتی متصور بر مجازات از میان نرود.

رحم و شفقت جزئی اجتناب‌ناپذیر هرسایست جزایی درست و عادلانه است. هردادرسی که بدون رحم و شفقت اجرا شود به طور قطع و یقین جلوه‌های بسیار زشتی از بی‌عدالتی را به همراه دارد و در هردادرسی میباید روح رحم و شفقت به آشکاری به چشم بخورد، آن‌چنانکه افکار عمومی به ابراز همدلی بیشتر با مجازات شونده نیاز نبیند.

سیاست جزایی هر کشور باید سالم، انسانی، آغشته به رحم و شفقت، تربیت کننده، سازنده، متین و سنجیده و پخته باشد. سرعتهای سراسرآم‌آور در دادرسی و اجرای مجازات‌های هول‌انگیز، نشان دهنده هیچ ارزش فکری و اجتماعی نیست. هیچ اثر شایسته یا سارنده و پایداری از این شیوه دادرسی حاصل نمی‌آید. این شیوه دادرسی بیان کننده روحیه پسر حشوت دادرسان و نارسائی‌های بسیار فرهنگ قضائی است.

فرهنگ قضائی ما با الهام از آموزش‌های والای اسلامی میتواند پخته‌ترین و انسانی‌ترین شیوه‌های دادرسی را به جلوه بگذارد. فرهنگ قضائی ما که برحاسته ارجح‌دول ارزش‌های انقلاب اسلامی ملت ایران است، نباید به خاطر پاسخگوئی به احساسات برایگنجه گروها، از مسیر شایسته خود منحرف شود. شدت و حشوتی که در دادرسی و محارزات‌های گذشته بر دیکر نبه چشم می‌جورد، نگرانی آور و دردناک‌گیر است.

فهرستی از اعدام‌های دوهفته گذشته جمع آوری شده است و به نظر همگان و کاربدستان کشور میرسد تا با مشاهده آن به اندیشه فرو روند و راهی بیاید تا اعدام این چنین آسان و رایج باشد.

دیدن این فهرست بی‌گفتگو بر همگان بسیار ناگوار خواهد افتاد، ولی شاید این ناگواری رهمای کاربدستان کشور در فراهم آوردن سیاست جزایی اصیل اسلامی گردد که هرچه انسانی‌تر و هرچه سارده‌تر است.

### فهرست اعدام‌های به اصطلاح انقلابی در دو هفته گذشته

- ۳۰- یوسف یوسفی‌نژاد در تهران در رابطه با مواد مخدر
- ۳۱- حاج گنج‌های در تهران در رابطه با مواد مخدر
- ۳۲- سید مقصود پیروزمند در تهران در رابطه با مواد مخدر
- ۳۳- اصغرالی‌پور در تهران در رابطه با مواد مخدر
- ۳۴- حسن دهقان در تهران در رابطه با مواد مخدر
- ۳۵- سیداکبر میرفندرسکی در تهران در رابطه با مواد مخدر
- ۳۶- اصغر طائبی در تهران در رابطه با مواد مخدر
- ۳۷- مدد می خوش در تهران در رابطه با مواد مخدر
- ۳۸- محمدرضا ایرانی در تبریز به اتهام توطئه و قیام علیه جمهوری اسلامی
- ۳۹- ابوالقاسم رستمخانی در تبریز به اتهام توطئه و قیام علیه جمهوری اسلامی
- ۴۰- احمد بعلانی در آبادان به اتهام آوردن اسلحه و مواد منفجره و تعلیم خرابکاری
- ۴۱- حلیم معروفی در آبادان به اتهام آوردن اسلحه و مواد منفجره و تعلیم خرابکاری
- ۴۲- عبدالحسین بحرانی در آبادان به اتهام آوردن اسلحه و مواد منفجره و تعلیم خرابکاری
- ۴۳- ساگر نهانی در آبادان به اتهام آوردن اسلحه و مواد منفجره و تعلیم خرابکاری
- ۴۴- هاشم هاشمی در آبادان به اتهام آوردن اسلحه و مواد منفجره و تعلیم خرابکاری
- ۴۵- اکبر گودرزی در تهران رهبر گروه فرقان
- ۴۶- علی حاتمی در تهران به اتهام عضویت در گروه فرقان
- ۴۷- عباس اخگری در تهران به اتهام عضویت در گروه فرقان
- ۴۸- سعید تراب در تهران به اتهام عضویت در گروه فرقان
- ۴۹- علیرضا شاه‌بابای تبریزی در تهران به اتهام عضویت در گروه فرقان
- ۵۰- حسن امیرلو در تهران به اتهام عضویت در گروه فرقان

می‌شمارد.

قصد انتقام‌جویی سخت ناروا است.

اجرای مجازات، برای آن است که از بروز و رشد گناه و خطا، جلوگیری شود و گناهکاران از رویه ناپسند خود دست شویند و به زندگی سالم و انسانی باز گردند.

ارتکاب هر گناه را علتها است و می‌باید آن علتها را از میان برداشت تا گناهکاری رشد و برور نکند. ما می‌پذیریم که یکی از وسیله‌های از میان برداشتن رمیسه‌های برور و رشد گناهکاری مجازات کردن گناهکاران است و در بسیاری از رمیسه‌ها، رایل ساختن علتها ردود معلول‌ها را ناگیر می‌دارد ولی ردود معلول‌ها، یعنی مجازات گناهکاران آنگاه اثر سودمند دارد که با قاعده و رسیدگی‌های لازم صورت گیرد.

سرعت بسیار در تعیین و اجرای محارزات‌ها، اگر از یک دیدگاه، روا و درست باشد، از دیدگاه بسیار بررگتر دیگر، یعنی صریح برهیر از حطای احتمالی

ما میدانیم، و نیک میدانیم که در ذات انسان، میل به گناه نهفته نیست، این نکته را دست‌آورد‌های همه دانش‌های اجتماعی و انسانی گواهی میکند. و ما میدانیم که دست‌آوردن آدمی به گناه، ریشه‌های گوناگون اجتماعی و روانی دارد، و ما می‌دانیم، و همه افکار عمومی بشری نیز، به این نکته ایمان آورده است، که هیچ مجازات تنها برای انتقام‌جویی نیست.

مجازات یکی از وسیله‌های تربیت اجتماعی است و نظام قضائی هر کشور، پیش از آنکه انتقام گیرنده باشد، باید تربیت کننده و آموزش دهنده باشد. سیاست‌های جزایی، که اثرهای آموزشی و تربیتی را در متنی تصمیم‌های خود قرار بدهد، از راه درست به یقین برکنار افتاده است.

در جهان معاصر ما کم نیستند شمار کسورهایی که به طور کلی واژه «محارز» را از

مردم سیاست جزایی حکومت را تایید نکنند و اگر مردم تعیین و

اجرای مجازات‌ها را درست و عادلانه نشناسند، دیگر هیچکدام از اثرهای مورد نظر از اجرای سیاست درست جزایی پدیدار نخواهد شد. و حتی اثرهایی برعکس انتظار در میان مردم پدید خواهد آمد و مردم با گناهکاران مجازات شده، همدلی و همدردی نشان خواهند داد، و اصلی‌ترین ضابطه مجازات که تزلزل احترام و موقعیت اجتماعی گناهکار است از میان برداشته می‌شود و در چنین حالی، مجازات دیگر مجازات تلقی نمی‌شود بلکه گونه‌ای از ظلم حکومت نسبت به مردم خود به چشم می‌آید.

برای آنکه چنین حالی و هوائی در جامعه پدید نیاید و برای آنکه مردم با گناهکاران همدلی نشان ندهند، می‌باید سیاست جزایی را هر چه پخته‌تر داشت و می‌باید به اندیشه و ارزش‌گذاری همگانی التفات نمود.

به طور طبیعی مردمان از حکومت بیدادگر به وحشت می‌افتند و بر اثر این وحشت دانسته یا ندانسته و به گونه‌ای فردی یا گروهی، در برابر حکومت بیدادگر به ایستادگی برمیخیزند و ایستادگی مردمان در برابر حکومت، بی‌گفتگو زوال حکومت را در بردارد.

اتحاد اجرای سیاست درست جزایی یکی از اصلی‌ترین عامل‌های دادگری است و مفهوم حکومت ظالم یا عادل بیش از هر جا و بیش از هر زمینه در سیاست جزایی روشن می‌شود. راست است که توزیع درآمد‌ها و بهره‌مند داشتن همگان از مزایای رفاهی زندگی نیز بیان کننده گونه‌ای از عدالت است که به عدالت اجتماعی تعبیر میشود ولی اصلی‌ترین جلوه‌گاه عدالت حکومت، سیاست جزایی آن است.

ارزش‌گذاری افکار عمومی بر سیاست جزایی حکومت اصلی‌ترین داور سبب به صلاحیت آن است هیچ حکومتی

سیاست‌های جزایی خاص تصویرهای معینی از خود در ذهن‌ها ایجاد می‌کند.

این تصویرها میتوانند بسیار دلپذیر و محبت آفرین، یا مشمئز کننده و بیزار آوری‌آور یا چیزی در فاصله این دو قطب باشد. سیاست‌های جزایی علاوه بر آنکه تصویری از سیمای حکومت در ذهن‌ها رسم میکنند، اعتبار اخلاقی حکومت را نیز مشخص می‌سازد.

عادلانه بودن تصمیم‌های جزایی، بر اعتبار اخلاقی حکومت می‌افزاید و موجه بودن تصمیم‌های جزایی به معنای آن است که افکار عمومی مجازات تعیین شده را با بزه انتسابی متناسب بشناسد و بر اساس دلایلی که ارائه شده است، با اتهام را بردوش متهم ثابت و می‌سازد.

علنی بودن جلسه‌های رسیدگی و آرای صادره دادگاهها، برای آن است که افکار عمومی از چگونگی وقوع جرم، و دلیل‌های ثبوت اتهام برعهده متهم، و میزان مجازات تعیین شده آگاهی می‌یابد و مراد از آگاه ساختن افکار عمومی بر تصمیم‌های جزایی آن است که تعیین و اجرای مجازات‌ها از همدلی و پشتیبانی مردم برخوردار گردد.

اگر مردم تصمیم‌های جزایی اتخاذ شده را درست و به حق و عادلانه تلقی نکنند، قدر و منزلت اخلاقی حکومت در چشم همگان به شدت کاستی می‌گیرد.

پیروی از آئین دادرسی خاص و علنی بودن دادگاهها و رای‌های صادر شده آنها، این نتیجه ضمنی و فرعی را هم در بردارد که احتمال جسارت و تمایل و به ارتکاب جرم را در ذهن‌های مردمان از میان بردارد.

سیاست جزایی به طور کلی متوجه تحقق بخشیدن به این هدفها است که میزان ارتکاب جرم در جامعه کاهش یابد، و زمینه‌های احتمالی روانی گرایش به لغزش و بزه شسته و زدوده شود و گناهکاران به کسوفی عادلانه و متناسب دچار آیند، و افکار عمومی به اجرای عدالت در کشور باور آورد.

اگر افکار عمومی به اجرای عدالت در کشور باور نیابد و اگر مجازات‌های تعیین شده را متناسب و عادلانه نبیند و اگر در ثبوت گناه برعهده مجازات شونده بر تردید افتد اعتبار اخلاقی حکومت در کشور رو به افول خواهد نهاد و اگر این ماجرا ادامه

## تداوم انقلاب، در گرو ایجاد دولت با اقتدار است



### دولت باید به یاری

صدر خواستههایش استقلال و ناوابستگی جای دارد با اتحاد سیاست نادرست که پس از پیروزی انقلاب طی شانزده ماه کار بدستار کشاورزی ایران اجراء کردند نه تنها به هدف اصلی نزدیک نشد بلکه در بسیاری از موارد رشته خانمانسوز وابستگی استوارتر گردید.

گردانندگان حکومت بخصوص کار بدستان وزارت کشاورزی و عمران روستائی تاکنون نتوانستند با اجرای یک برنامه سازنده به دستاوردهای انقلاب، پشتوانه لازم را دهند و یا رسیدن تدریجی به خودکفائی نسبی رشتههای وابستگی را قطع و استقلال سیاسی کشور را که بدون داشتن استقلال اقتصادی تنگناهای بیشماری خواهد داشت برای همیشه تضمین نمایند.

دستاندار کاران این بخش از اقتصاد کشور برنامه روشن و گویائی را که پاسخگوی نیازها باشد تاکنون عرضه نداشتهاند و برای افزایش تولید فرآوردههای کشاورزی و دامی قدم مثبتی برنداشتهاند و حتی طرحهای افزایش تولید محصولات کشاورزی که کارشناسان در گذشته شروع و تحقیقاتی، پیرامون آن انجام میدادند را کد مانده و یا با تاخیر بسیار در سطحی بسیار کوچک ادامه یافته است.

برای افزایش میزان تولید غله راهحل های عملی را نه پیمودهاند در این مورد میتوان با بالا بردن نرخ خرید گندم و جو و اجرای سیاست کمکهای جنسی و پشتیبانی فنی از کشاورزی، سطح تولید در واحد کشت را به اندازه ضروری افزایش داد.

دشتهای حاصلخیز و پهناور خوزستان، سرخس، سیستان، مغان، مهران، دهلران و سایر منطقهای غلهخیز و زمینهای دیم کار گوشه و کنار کشور را میتوان بزرگ کشت آورد و نیاز کشور را تامین نمود، نه آنکه با اتخاذ روشهای غلط سبب نابودی مرتعها و باغها گردید و زمین آنها را برای گشت گندم و جو اختصاص داد.

در نظام آریامهری باتوجه به سیاست کلی وابستگی، کشاورزی ایران را به نیستی کشانیدند ولی در شانزده ماه گذشته باقیمانده آن نیز آسیب فراوان دیده و هیچ دگرگونی، پدید نیامده است.

در مورد فرآوردهای دامی نیز بمانند گذشته عمل شد و سردخانهها را با خرید هزاران تن گوشت از گوشه و کنار دنیا پر کردند و کوچکترین قدمی در راه اصلاح نژاد دام و افزایش آن و گسترش تولیدهای دامی در داخل کشور و حمایت از دامداری ایلی و یا حداقل برنامهریزی برای رسیدن به این هدف انجام ندادند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران، وزیران کار آمدی به وزارت کشاورزی و

عمران روستائی گمارده نشدند. در دولت موقت، وزارت کشاورزی بکسی سپرده شد که از هواداران زمینداری بزرگ و سیستم وابسته به آن بود و کشاورزی ایران را با عنایت به این طرز تفکر اداره نمود، حتی تا آخرین روزهای وزارت، معاونان گذشته را که از زمان «نظام سلطنتی» باقی مانده بودند نگاهداشت و با آن گسان که خود سبب ویرانسازیهها بودند قصد اصلاح کشاورزی ایران را داشت. پس از ایشان نیز سرنوشت این وزارتخانه با اهمیت را به کس دیگری سپردند که کوچکترین اطلاعی از کشاورزی و باغداری و دامپروری ندارد و بدینطریق قدرت زاینندگی از کشاورزی ایران گرفته شد و با برگزیدن چنین کاربدستان که دارای صداقت کافی ولی عدم آگاهی کامل هستند، اینک که باز هم به همت مردم و روستائیان شرافتمند ایران کوششی انجام گرفته و کشتی شده است با نزدیکی فصل برداشت، ضروری میباشد که دست اندر کاران به نکتههای زیر توجه کنند تا شاید حداقل برای نجات آنچه کاشته شده اقدام بهنگامی صورت گیرد و این کشت را قبل از نابودی، دریابند.

نکتههایی که گردانندگان وزارت کشاورزی و عمران روستائی باید به آن توجه کنند عبارتست از:

۱- جلوگیری از ویرانسازی و آتشسوزی کشتزارها و حفظ آنها، برای گسترش کشاورزی و حمایت از کشاورز عاملهای گوناگونی باید فراهم گردد، دادن زمین به دهقان کافی نیست، زمین فقط یک عامل تولید در کشاورزی بحساب میآید، وقتی دهقانی زمین داشت ولی آب نداشت کاری از او ساخته نیست، چنانچه آب و زمین داشت ولی ابزار کار، بذر، کود و سم نداشت باز هم کاری از او ساخته نخواهد بود، حال اگر با سختی بسیار دهقانی همه عاملهای تولید را بنحوی تهیه نمود و با عشق بکار، کشت خود را به ثمر رساند ولی امنیت وجود نداشت همانطور که از گوشه و کنار شنیده میشود وضعی پیش خواهد آمد که ضدانقلاب کشتزارها را ویران سازد و به آتش کشد و برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران از هیچ توطئههای فروگذار نکنند باز هم کوشش این دهقان بهمدن خواهد رفت.

چنانچه گردانندگان کشور دست روی دست گذارند و قاطعانه عمل نکنند و فقط با صادر کردن بخشنامه و دادن اعلامیه راهنمایی و ارشاد نمایند، هستی دهقانان ایرانی نابود خواهد شد.

کاربدستان وزارت کشاورزی و عمران روستائی ضروری است که بی درنگ در جهت وظیفه حفظ کشتزارها و پشتیبانی از کشاورزان، اقدام به ایجاد گروههای پاسدار سیار نموده با دادن آموزشهای لازم از

خودیاری دهقانان نیز استفاده نمایند که آنها برای نگهداشت کشتزارها و بخصوص مرکزهای جمع آوری فرآوردهها بسیج شوند.

اکنون در بخشهای جنوبی ایران فصل برداشت رسیده است و باکمال تأسف شنیده میشود که کشتزارهای زیادی به آتش کشیده شده و در یکی دو ماه آینده در تمام بخشهای ایران فصل برداشت شروع خواهد شد و ضروری است که با یک حرکت انقلابی و بااستفاده از نیروی انسانی فراوانی که وزارت کشاورزی و عمران روستائی در تهران و شهرستانها در اختیار دارد این نقش ارشادی و نعاونی را هر چه سریعتر بعهده بگیرد.

۲- کمک بکشاورزان با در اختیار گذاردن ماشینهای لازم: وزارت کشاورزی و عمران روستائی با در اختیار داشتن سازمانهای گستردهای که در گوشه و کنار ایران بناهای: سازمان عمران قزوین، جیرفت، مغان و سایر سازمانهای همانند و کشت صنعتی ملی شده که در همه مناطق کشور بخصوص خوزستان هست و همچنین «بنگاه توسعه ماشین آلات کشاورزی» که در خیلی از شهرستانهای ایران دارای شعبه میباشد و از شبکه بزرگ ماشینهای کشاورزی برخوردار است و میتواند با برنامهریزی صحیح کمک هنگام برداشت کشاورزان بشتابند و از آنان پشتیبانی نماید که فرآوردههای کشاورزی در کشتزارها بعلت نبودن وسیلههای درو و حمل و نقل باقی نمانده و نابود نگردد و از بوجود آمدن صحنههایی مانند سال گذشته با پیشبینی قبلی جلوگیری شود. با نابسامانیهایی که در واردات وجود داشت و بخصوص با محاصره اقتصادی کشور ورود قطعههای یدکی ماشینهای کشاورزی با دشواری زیادی روبرو گردید و با افسوس بسیار وزارت کشاورزی و عمران روستائی نتوانست پاسخگوی نیاز کشاورزان باشد و مثل همیشه با وعدههای دلخوش کننده آنها را سرگرم نمودند که اکنون هزاران هزار ماشین و دستگامهای کشاورزی در گوشه و کنار کشور بعلت نداشتن قطعه یدکی از کار افتاده است چنانچه بکشاورزان در این زمینه بطور جدی کمک نشود، بکار دشواری بزرگی برای جمع آوری فرآوردههای خود روبرو خواهند شد.

۳- تعیین حداقل قیمت و خرید فرآوردههای کشاورزی: برای حفظ و کمک بکشاورزان ضروری است، دولت باید سیاست تعیین حداقل فرآوردهای کشاورزی را در پیش گیرد، و این سیاست نه تنها در مورد گندم بلکه باید بشتر تولیدهای کشاورزی را زیر پوشش خود گیرد.

تعیین حداقل قیمت، قدمی مثبت در راه افزایش و بهترسازی فرآوردههای کشاورزان بوده و کشاورزان تشویق بتولید بیشتر مینماید، در تعیین حداقل قیمت

باید بطور واقعی هزینههای کاشت، داشت و برداشت بحساب آورده شود و قیمتی تعیین گردد که گذشته از هزینههای تولید، سود عادلانهای برای کشاورز پیشبینی گردد.

ضروری است که اعلام حداقل قیمت فرآوردههای کشاورزی از طرف دولت بموقع و سریع انجامپذیرد تا تضمینی جهت کشاورزان در برابر دلالتان، سلفخران و سایر احتکار کنندگان مواد غذایی باشد و بدینوسیله بتوان کشاورز ایرانی را که از پرکارترین و کم درآمدترین قشرهای اجتماعی ایران است پشتیبانی نمود، بخصوص باید کوشیده شود که سازمانهای صلاحیتدار، هیاتهای خرید را بسط دهد اعزام دارند و بدون اشکالتراشی و کارشکنی انجام وظیفه نمایند و مرجعی هم وجود داشته باشد که در صورت حق کشتی، کشاورز بتواند بدانجا رجوع کند.

۴- ایجاد بازارهای فروش و کوتاه کردن دست واسطهها: واسطهها و دلالتان، هم به تولید کننده و هم به مصرف کننده زیان میرسانند و بی آنکه در تولید نقشی داشته باشند با سرمایه خود و هزاران ترفند گوناگون به استثمار تولید کننده و اجحاف بمصرف کننده میپردازند.

شناور بودن قیمتها در سطح شهر هیچگاه نخواهد توانست میزان درستی پیش روی مصرف کننده قرار دهد، مصرف کنندگان در هر شهر و روستا بخصوص مصرف کنندگان تهرانی در هر نقطه شهر که باشند پیوسته شکوه دارند که قیمتها بخصوص قیمت میوه، ترهبار، خویبار و تخم مرغ و گوشت سرسام آور گران و پیوسته رو به افزایش است، مردم میپرسند آیا دستاندار کاران حکومت انقلاب قادر نیستند نظامی در امر تهیه و توزیع مواد غذایی ضروری بوجود آوردن و نارسائیهایی کنونی را رفع نمایند؟

آنچه روشن است تنبیه بدنی و زدن شلاق و هتک آبرو و زندان کردن و بستن فروشگاهها برای مدت معین قادر نخواهد بود که چنین نظامی را بوجود آورد، این نوع کسبها بدون شلاق در گذشته نیز وجود داشت ولی کمکی به بهبود وضع ننمود و در این شانزده ماهی هم که از انقلاب میگذرد، همه کوششهایی که در این زمینه شده است قیمت مواد غذایی را پایین نیاورده و تجربه نشان داده است که این روشها دردی را درمان نکرده است، این دشواری باید بشکلی بنیادی حل گردد، نظامها باید دگرگون گردد و بطور دقیق کسانی را که اهرم قیمتها را بدست دارند و هرروز بمیل خودو برای استفاده جوئی و سودطلبی گروه خاصی آنها بحرکت میاورند باید کنار گذارده شوند. باید بررسی شود گناهکار فروشندهای است که بمصرف کننده در تماس است یا گناهکار میدان دارها، واسطهها هستند که قیمت فرآوردههای

### گرامی باد، پانزدهم خرداد

و آنقدر در برابر سربازان ناصرالدینشاه مقاومت کردند که سرانجام پس از کشتار بسیار، امتیاز باطل شد.

این پیروزی درخشان یگونی ضربهای هشداردهنده وجدان آگاهشدهی ملی را مستوجه مبارزهای وسیعتر و عمیقتر علیه دستگاه استبداد ساخته جنبش مردم بتدریج گرایش ضدسلطنتی پیدا کرد. مبارزه برای آزادی و عدالت به رهبری روحانیان بیش از دوسال ادامه داشت و سرانجام انقلاب مشروطیت، بگونهی جنبش خودجوشی که پایگاههای داخلی بیگانه یعنی استبداد را مورد تهاجم قرار میداد به ثمر رسید و حکومت استبداد به مشروطه بدل شد ولی تسلط قوهی مجریه بر قوای مقننه و قضائیه در رابطه با سیاست موازنه مثبت، اندک، اندک سبب ساز جنبشهای منطقهای و مسلحانه گردید. این پیکارها هم علیه استعمار و هم علیه رژیم بظاهر مشروطه شکل میگرفت، اما از وحدت و هم آهنگی برخوردار نبود و یکپارچگی ایرانگیر پیدا نکرد، جنبشهای خراسان و گیلان و آذربایجان از این دست هستند.

این قیامهای خونین در جمع از آموزشهای اسلامی برخوردار بود و برخی از رهبران آن بویژه در نهضت جنگل، میرزا کوچکخان و در قیام آذربایجان، شیخ محمد خیابانی سیمای مذهبی داشتهاند.

نهضت مردم ایران در پیکار علیه استعمار و استبداد بر غم نبود سازمانهای شکل گرفتهی سیاسی، سپر تکاملی خود را طی کرد. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی که به تغییر سلطنت انجامید، یکی از مانورهای موفق استعمار برای سرکوب ملت ایران بود. اما در برابر این هجوم نیز اینجا و آنجا ایستادگیهایی بعمل آمد که «مدرس» شکل دهندهی اصلی این مقامها بود.

مدرس که از آغاز مشروطیت به عنوان یک مجتهد طراز اول به مجلس شورای ملی راه یافته بود کشاورزی ودایمی را بچندین برابر قیمتی که به تولید کننده میپردازند در اختیار مصرف کننده قرار می دهند.

فرآوردهای که دهقان ایرانی باخون دل تهیه کرده و بعلت نبودن شبکه صحیح توزیع، ناگزیر از فروش آن به واسطهها و سلفخران شده است و پامیوهای که باغداران و باصیفی کاران با کوشش شبانه روزی خود از گزند سرما و یخبندان در زمستان و خشک سالی و آفت و بیماریهای گوناگون گیاهی در تابستان نجات دادهاند توسط این نوع کسان خریداری گردیده باید به صورتی توزیع گردد که تولید کننده و مصرف کننده هر دو حمایت شوند، باید از کار بدستان وزارت کشاورزی و عمران روستائی و نیز وزارت بازرگانی پرسش نمود در شانزده

### گرامی باد، پانزدهم خرداد

تا از قواعد اسلامی و تطبیق آن با قوانینی که از مجلس میگردد، حراست کنند، مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران را چنان گسترده و چشمگیر دنبال کرد که مردم تهران در دورههای بعد نیز بارها او را به نمایندگی خود برگزیدند.

در کنار این رهبر روحانی شخصیت جوانی رشد می یافت که بعدها سرنوشت ساز بزرگترین پیکارهای رهایی بخش میهن گردید.

مبارزه علیه استعمار و استبداد در سالهای پس از سوم شهریور ۱۳۲۰ با طرح ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران و نیز علیه دیکتاتوری آغاز شد.

این مبارزه در خط استقلال کامل و آزادی فردی و اجتماعی قرار داشت.

نهضت ملی ایران به رهبری مصدق بدنال نزدیک به یکصدوپنجاه سال مبارزه خونین، اندک، اندک جامعه را بسوی زندگی مستقل و آزاد رهبری کرد.

مصدق در روند مبارزاتی ملت قرار داشت و همهی تلاشهای او در همین خط شکل گرفت. او از هویت ملی ایران با همهی نیرو دفاع میکرد.

مصدق که استعمار و بیماریهای ناشی از آنرا شناخته بود، هرنوع تحول و دگرگونی در دام وابستگیها را، عامل شدت وابستگی میدانست و از نخستین تلاشهای سیاسی خود، در این خط بود تا اصل استقلال را به کرسی حقانیت بنشاند و کانونهای ریشخند و ویرانگریهای ملی را به نابودی کشاند.

اندیشهی استقلال در گفتار و کردار این سردار ملی تبلوری همه جانبه پیدا کرد. او به شناخت «مجموعهی حیات انسانی» و پیوندهای بنیادی با «جامعه ملی» دست یافته بود و بهمین دلیل به ابعاد چندگانهی زندگی فرهنگی و استمرار بقیه در صفحه ۷

ماهی که در اختیار داشتید چه برنامههای برای ایجاد روند صحیح تهیه و توزیع انجام دادها، بنظر میرسد نه تنها کاری

در این زمینه انجام ندادهاند بلکه با عملکرد خویش به دلالتان و واسطهها، میدان فعالیت بیشتری داده و افزایش قیمتها را باعث شدهاند. باکمال تأسف دست اندر کاران حکومت پس از انقلاب تاکنون کوچکترین تغییری در نظام پوسیده تهیه و توزیع مواد غذایی ندادهاند و مانند

دیگران ناظر افزایش روزانه قیمتها میباشند.

شایسته است که برای قطع دست سلفخرها و واسطهها و باتنظیم برنامههای که شامل ایجاد میدانهای فروش در شهر باشد، با ایجاد نهادهای انقلابی محصول از تولید کننده به مصرف کننده رسانده شود.

## به استانهای کشور باید حق خودگردانی داد







## از خبرهای هفته

### انحلال اداره کل آموزش و پرورش کردستان

بدستور آقای محمدعلی رجائی، اداره کل آموزش و پرورش کردستان منحل اعلام شد. وزیر آموزش و پرورش در این باره اظهار داشته است: «طبق گزارشهای مختلف بخصوص گزارش فرمانده پادگان سنندج و همچنین ملاقات خصوصی که با رئیس جمهور داشتیم، آموزش و پرورش در سنندج و کامیاران و بعضی دیگر از شهرها، کانون ضدانقلاب بوده و گروه زیادی از معلمان و دانش آموزان در واحدهای مختلف آموزشی بر علیه دولت جمهوری اسلامی اقدام میکردند. از طرف دیگر چون در سال تحصیلی جاری در نواحی مختلف کردستان درس وجود نداشته بطور کلی آموزش و پرورش را در این استان منحل شده اعلام میکنیم.» آقای وزیر اضافه کرده است که:

«حقوق کارمندان در این نواحی قطع شده و بعد از رسیدگی، آن گروه از معلمان که دارای صلاحیت و اهلیت باشند به کار گمارده خواهند شد.»

آقای وزیر آموزش و پرورش که از زمان تصدی خود جز ایجاد نارضایتی در بین دانش آموزان و معلمان و کارمندان و حتی اولیای دانش آموزان عمل مثبت دیگری انجام ندادند، با این کار برگ افتخارآمیز دیگری به پرونده خدمتی خود افزودند. ایشان ادعا می کنند که چون آموزش و پرورش در سنندج و شهرهای دیگر کانون ضد انقلاب بود، آن را منحل کرده اند و برای توجیه بیشتر میگویند چون اصلاً در سال تحصیلی جاری در کردستان درس وجود نداشته، بنابراین آموزش و پرورش کردستان بدرد نمی خورد و باید منحل میشد.

باید از آقای وزیر پرسید که واقعا تعداد ضدانقلابیون اعم از دانش آموز و معلم در دبستانها و دبیرستانهای این شهر آنقدر زیاد بوده که هیچ راه دیگری بجز انحلال اداره آموزش و پرورش آنهم در سطح استان، وجود نداشته است؟ و آیا عدم تشکیل کلاسها بخاطر وجود جنگی که بر مردم کرد تحمیل شده است میتوانست مجوزی برای انحلال اداره آموزش و پرورش کردستان باشد، آنهم در این زمان که مردم کردستان بیش از هر چیز احتیاج به سوادآموزی دارند؟

و دست آخر اینکه شما طبق رای کدام دادگاه بخود اجازه دادهاید که حقوق کلیه کارمندان آموزش و پرورش یک استان را قطع کنید تا بعد از رسیدگی، آن گروه را که دارای صلاحیت و اهلیت (!) باشند دوباره بکار بگمارید. آقای وزیر که وکیل شده اید، قدری فکر کنید که با این ندانم کاریها آینده کشور را چگونه ببازی گرفته اید.

### کنفرانس بررسی مداخلات آمریکا در ایران

کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران روز دوشنبه دوازدهم خردادماه با پیام امام خمینی و رئیس جمهور آغاز به کار کرد.

امام در بخشی از این پیام چنین گفت: «آنچه دولت میتواند ارائه دهد استاد بسیار ناچیزی است که عمال دولت آمریکا نرسیدند تا آنها رامحو کنند و اسنادی است که حتی بعد از سقوط شاه در به اصطلاح سفارت آمریکا موجود است با آنکه اکثر اسناد مهم بدست کارمندان این به اصطلاح سفارتخانه پودر شده است که امکان استفاده از آن دیگر نیست ولی آنچه بدست آمده است دخالت آمریکا را در کشور ما ثابت میکند.»

مستشاران آمریکا در مقدرات کشور مظلوم ما دخالتهای مستقیم داشتند. تحمیل کاپیتولاسیون بر ملت مظلوم ما بوسیله شاه مخلوع سابق از بزرگترین جنایات آمریکا بود، که بامخالفت روحانیون و ملت متدین مواجه گشت، و از آن پس چه ستمها چه جنایات که بر ملت ما وارد نشد.

بقیه در صفحه هفتم

### بزرگداشت پانزدهم خرداد

دفتر روابط عمومی سازمان شهرستان تهران حزب ملت ایران اعلام داشت آئین بزرگداشت سالروز قیام پانزدهم خرداد ساعت نوزده و نیم روز پنجشنبه پانزدهم خرداد در تالار سخنرانی حزب برگزار میگردد. در برگزاری این آئین حضور خانوادههای همزمان و هواداران حزب آزاد اعلام شده است.

## از میان نوشتارهای رسیده

نوشتار زیر که در تاریخ نگارش برای روزنامههای کیهان، اطلاعات و انقلاب اسلامی فرستاده شده ولی تاکنون از درج آن خودداری گردیده، در هفته گذشته به دفتر، نامه آرمان ملت رسیده است که عین آن چاپ میگردد.

### چند کلمه با آقای دکتر بهشتی درباره نگرانیهای ایشان

جناب آقای دکتر بهشتی! در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت شما که در صفحه ۳ کیهان پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ و بخشی از آن در صفحه اول روزنامه انقلاب اسلامی همان روز نقل شده بود، فرموده بودید که اگر «تعیین این نخستوزیر همراه با تأیید خاص امام باشد، این نگرانی هست که مبادا روی رای آزاد نمایندگان مردم در مجلس اثر بگذارد.»

کشمکشهایی که از روز موافقت امام با سه درخواست ریاست جمهوری، بین گروه شما و آن دیگران بر سر انتخابات و معرفی نخستوزیر تا به امروز، جریان داشته، چیزی نبوده که از چشمهای نگران مردم پنهان مانده باشد. اما فعلا ما را با آن کاری نیست. میخواهیم در همان نظری که طی مصاحبه ۲۴ اردیبهشت ابراز داشتهاید، قدری دقت بفرمائید، تا معلومات شود، چگونه خداوند بر زبانتان چیزی را جاری ساخته که سعی در پنهان کردن آن داشته و مدتها بر خلاف آن تظاهر می نمودید.

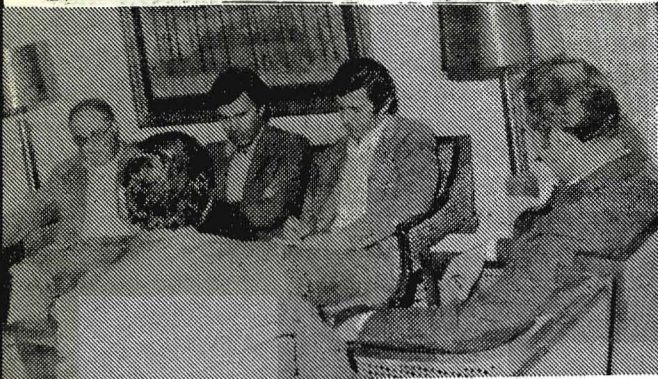
وقت آن است که از شما سؤال شود، چرا از احتمال تأثیر تأیید نخستوزیر توسط امام، برای آزاد نمایندگان مردم در مجلس نگران هستید؟ آیا ممکن است در ترجیح نظر امام احتمال ضرر و خطری برای ملک و ملت باشد؟ آیا بعد از هفده سال که نظر امام همه جا و همه وقت در سرنگونی نظام گذشته صائب بوده، حالا که پایههای حکومت آینده برای حکومت کنندگان آینده دارد ریخته میشود، همان نظر این جور غیرلازم و حتی نگران کننده و خطا شده است؟ و آیا این نگرانی شخصی مثل شما که پس از شروع کار مجلس و تعطیل شورای انقلاب، نقشی در قوه مقننه و رای اعتماد به دولت نایستی داشته باشد، میتواند بیان نگرانی عمومی باشد یا یک درد شخصی و گروهی است؟

آیا اگر بین وکلای مردم در مجلس که گروه شما مخصوصاً آنهمه در اصالت آرای موکلان آنها داد سخن دادند، و امام که اولین وکیل اصیل همه آنها بود، اختلافی بروز کند، مانعی برای رفع آن وجود دارد؟ و تابه حال از امام دیده شده است که از این دنیای شما اصلاً چیزی را دوست داشته باشد که شما از اصرار بر آن نگران شوید؟ و مگر بین امام و وکلای مردم جز خدا و خیر مردم منظور دیگری هست که جای نگرانی باشد؟ آیا مردم تاکنون و کیلی امین تر و دلسوز تر از امام داشته اند؟ خودتان هم میدانید که نداشته اند. پس معنای نگرانی شما چیست؟ آیا این نیست که مبادا آن وکلایی که جای بقیه همراهان شما را که دوست میداشتید مجلس را یکپارچه اشغال کنند، گرفته اند، باهمه هنرها که در شمامست، سر همراهی باشما را نداشته و با مخالفان نظر امام هماهنگی نکنند؟ و بعضی از همراهان سادهای را هم که تاکنون توانسته اید دور خود نگهدارید، در آن موقع از دست میدهید؟ و از همه بالاتر معنایی را که مردم از ابتدای انقلاب در پی کشف آن هستند، آن روز کشف کنند؟ جناب آقای دکتر بهشتی! شما از روز اول انقلاب، هر کار که کردید با انتساب به امام کردید.

حزب ساختید، و مردم را به شرکت در آن دعوت نمودید، و این مردم بیزار از هفتاد سال اینگونه حزب بازی و حزب سازی، و متحد شدهی رابطه قدیمی رجوع

بقیه در صفحه هفتم

## خبرهای حزبی



داریوش فروهر، دبیر حزب ملت ایران در دیدار با پروفو کرایسکی، اولاف پالمه و فیلیپ گزائز نمایندگان بین الملل سوسیالیزم

### مصاحبه با خبرگزاری پارس

داریوش فروهر، دبیر حزب ملت ایران روز جمعه نهم خردادماه در مصاحبه ای با خبرگزاری پارس نقطه نظرهای خود را پیرامون مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی، وضع کردستان و آزادیهای فردی و اجتماعی بیان داشت و نیز در مورد آینده گفت «من آمادگی پذیرش پستی در دولت آینده نیستم و همانطوریکه یکبار دیگر گفتم میخواهم مانند یک سرباز ساده انقلاب اسلامی ملت ایران در سنگرهای دیگر بجنگم فروهر در پاسخ پرسشی که پیرامون شرکت دیگر بلندپایگان حزب ملت ایران در دولت آینده از او شد گفت باید بگویم این به برنامهی کار دولت آینده و چگونگی ترکیب آن بستگی دارد.»

### سخنرانی در مسجد خندق آباد

داریوش فروهر دبیر حزب ملت ایران شامگاه روز شنبه دهم خردادماه پیرامون «گرایشهای تجزیه طلبی و تشنجهای ناحیهای بعد از انقلاب» در مسجد خندق آباد واقع در خیابان مولوی سخنرانی کرد.

داریوش فروهر در بخشی از سخنان خود چنین گفت: ساخت اجتماعی ملت ایران همواره در طول تاریخ مورد بهره برداری دشمنان این ملت قرار گرفته است کوششهای بسیاری شده است که تفاوت میان یک مازندران یا یک خوزستانی یک کرد و یک بلوچ را به اندازهای جلوه دهند که اینها نمی توانند در کنار هم زندگی کنند و این طرز تفکر غلط در نتیجه پارهای از زشتکاریهایی که حکومت استبدادی وابسته به بیگانه در طول پنجاه سال سلطه خود بر ملت ما روا داشت تقویت گردید.

فروهر در ادامه سخنان خود گفت:

ستمها و تبعیضها را در هر زمینه گسترش دادند، به عنوان مثال از لحاظ اقتصادی از تهران تا قزوین بیشتر از ۶۷۰ واحد صنعتی وجود دارد اما سرتاسر بلوچستان را که بگردیم شاید یکی دو واحد صنعتی به سختی گیر بیاوریم و یا سرتاسر کردستان را که بنگریم اگر دودی از دودکشی برمی خیزد از آن چند کارخانه آجرپزی است.

فروهر در پایان سخنانش گفت:

من با اطمینان میگویم که جمهوری اسلامی ایران دارای آن ظرفیت است که بتواند به تمام تبعیضها نقطه پایان بگذارد و ستمها را از میان بردارد و دیگر چیزی بنام ستم قومی وجود نداشته باشد.

### سمینارها و کنگره های هفته گذشته

- ۱- سمینار اعتبارات نظارت شده جهت صنایع کوچک و متوسط گشایش یافت.
  - ۲- سمینار خود کفائی مخابرات در تهران تشکیل میشود.
  - ۳- سمینار انقلاب آموزش و پزشکی در تالار کنفرانس مرکز پزشکی فیروزگر آغاز بکار کرد.
  - ۴- سمینار حوزه علمیه و دانشگاهها درباره انقلاب فرهنگی پایان یافت.
  - ۵- دومین کنگره سراسری شورای اسلامی کارگران ایران پایان یافت.
  - ۶- اولین کنگره شورای اسلامی روستائی اهواز پایان یافت.
- به عمل کار برآید به سخندانی نیست...